

# "چک پول" چک است یا پول؟

وحید تفتدی

برای مردم پول است و اسکناس، اما برای نظام بانکی چک، بدیهی است که این تناقض، به تضارب و تصادم در جامعه منجر می‌شود: هرکس مجبور است مشخصات واگذارنده را جهت روز مبادا پشت چک بنویسد؛ بنابراین، با توجه به این که هر برگ از این چک پول‌ها ممکن است چندین مرتبه دست‌به‌دست شود تا به مقصد و مدفن خویش برسد، دیدنی خواهد بود طومارنویسی پشت آنها.

حال وضع زیباتر می‌شود اگر در این بین برگ‌ها از این برگ‌های زر - زبانم لال، زبانم لال - مسروقه یا مجعوله از آب درآید، چون در این صورت، چندین نفر باید قطار شوند و جوابگو باشند و آن وقت: طالع اگر مدد کند، دامنش آورم به کف...

فرض کنیم که هموطنی قصد دارد تا مبلغ یک میلیون تومان را به حساب جاری خویش و یا هموطن دیگری واریز نماید. آسانترین راه تهیه ۱۰ طغری "چک پول" صد هزار تومانی است که گویا مرغوبترین آنها هم "ایران چک" است. قهرمان این داستان وارد شعبه بانک مورد نظر می‌شود. صحنه پر است از دیگر هموطنان که از سروکول یکدیگر "محترمانه" بالا می‌روند و هریک سعی دارد تا به طریقی در میان چشم‌های آن طرف بجاه‌ها، یک جفت نگاه آشنا پیدا کند و سریعتر کارش را انجام دهد. قهرمان ما پس از چند لحظه سردرگمی، خود را می‌یابد و با چند سوال از این و آن درمی‌یابد که باید "قرم واگذاری چک" البته دوبرگی پرکند. پس به ضرب و زور بازو و همبازی دو آرنج، به قوس شیشه‌ای بجاه می‌رسد و پس از چندین بار تکرار و تکرار و عاقبت با التماس و یا پرخاش و داد

نمی‌دانند که چیست! اگر چاله‌ای نکنده باشید، منار روی دستتان خواهد ماند و این بد معضلی است: منار سرگردان!

بدون تردید، مظاهر نوین بانکداری جهت رفاه حال مشتریان پدید آمده‌اند. کارت‌های اعتباری، دستگاه‌های خودپرداز، تلفن بانک، خدمات از طریق تلفن همراه، کارت بانک، چک پول (تراولر چک) و... که پیچ‌درپیچ کلافی است بدون سر، و ای کاش سردرگم بود که بالاخره می‌شد سر آن را یافت (البته برای ما چنین است).

"چک پول" پدیده‌ای است دووجهی، پدیده‌ای که برای مردم "پول" است، ولی نظام بانکی به این پول به عنوان "چک" می‌نگرد.

ساده‌ترین و سهل‌ترین آن هم چک پول یا چک مسافرتی است که در اصل نوعی حواله بانکی است در جیب شما که حمل پول برایتان مشکل و یا اصولاً ضروری نیست، پس حواله‌ای می‌خرید و هنگام ضرورت به اسکناس تبدیلش می‌کنید، ولی امروز که این را می‌نویسم، این چک پول‌ها (نامگذاری بی‌مسما) به دلیل این که رقم اسمی اسکناس‌های ما جوابگوی ورم فوق متورم تورم خفقان‌آور و نفس‌گیری که به مثابه بختک روی اقتصادمان افتاده، نیست، جای اسکناس را گرفته، ولی نظام بانکی به این پول‌ها به عنوان چک می‌نگرد. پس معمای چک پول حل شد:

"عصر ما، عصر ماشین است، ولی عصر حساب نیز هست."

آنچه بشر امروز در پرتو تعقل و اندیشه خویش به آن رسیده و با عنوان عمومی "دستاوردهای تکنولوژیک" خوانده می‌شود، محملی ندارد جز رفاه و آسایش و زندگی بهتر و خیال آسوده که این آخری خود بسترساز دستیابی به مدارج بالای ابداع و اختراع است. وسایل و ابزاری که حاصل این فرایند است، خود معلول نیازی است که انسان‌ها لزوم برآوردن آن را احساس کرده‌اند و در یک فرایند اندیشه، راهکار و نتیجه به آن دست یافته‌اند. به سخن دیگر، آنچه امروزه به عنوان مظاهر تمدن در دسترس داریم و یا خبر آن را می‌شنویم که دیگران از آن بهره می‌برند، دنباله رشد فکری جامعه است که افراد آن - نه همه، بلکه اکثریت - به آن رسیده‌اند. حال اگر جامعه دیگری به صرف سهولت دستیابی به نتیجه یک ابداع یا اختراع - و نه خاستگاه آن - آن را وارد کند و بر سر ساختمان نه‌چندان استوار جامعه خویش نصب کند و فقط عنوان و اسم آن را یدک بکشد و نه رسم آن را، آن می‌شود که امروزه در جوامعی که "در حال توسعه" نامیده می‌شوند، به صورت اپیدمی واردات ابزار و آلات تکنولوژیک که در بعضی موارد حتی نیاز آن هم احساس نمی‌شود، شاهدش هستیم.

این همه را گفتم تا بگویم تنها گوشه‌ای از آنچه را که تقریباً همه ما همه‌روزه با آن دست‌وپنجه نرم می‌کنیم: "بانکداری الکترونیک". نظامی با دستگاه‌های پیشرفته و فوق‌پیشرفته که نه همه، بل اکثریت استفاده‌کنندگان - چه عامل و چه معمول -

چک پولها ایجاد می‌کند. حال با خیال راحت لاشه‌های مثله شده را در کنار سایر قربانیان الکترونیک و فناوری در داخل کشوی میز مزین به دستگاه رایانه به آرامش ابدی می‌سپارد. حال بگویید که این پول است یا چک؟

شما وقتی برای خرید ساده‌ترین مایحتاج از منزل خارج می‌شوید و قصد دارید که فقط به قصابی و بقالی بروید - و حالا اگر خواستید میوه‌فروشی را هم اضافه کنید - حداقل باید صد هزار تومان در جیب داشته باشید. پس چک پول در جیب و کیف و ... خود می‌گذارید و در نتیجه، این می‌شود اسکناس. پس اسکناسش کنید و خلقی را از رنج و زحمت برهانید، چون برای تحویل و تحول اسکناس دیگر احتیاجی نیست که صحنه شعبه بانک را هر روز و هر دم شاهد باشید. قضیه خیلی ساده است: چک باید چک باشد و

اسکناس، اسکناس.

"نفع شخصی همیشه بر جهان حکومت خواهد کرد. ما نباید آن را متوقف کنیم، بلکه باید نفع شخصی پاکیزگان را جانشین نفع شخصی فرومایگان سازیم."

ساموئل باتلر

در این حال، تحویلدار آماده تبرد با کی‌بورد (صفحه کلید) شماره سریال چک‌ها را وارد می‌کند. هریک از چک‌ها حداقل چهار سجع مهر دریافت می‌کند و در آخر هم گوشه بالای سمت راست یا چپ کلیه چک‌ها توسط دو انگشت شست و سیاه دندان‌کن می‌شود، ولی هنوز کافی نیست: دست‌های تحویلدار به طرف دستگاه پانچ (سوراخ‌کن) می‌رود و به وسیله آن چندین سوراخ در محل‌های مشخص دسته ۱۰ برگی

و کمی بیداد، دوسه جفت برگه را که همچون خودکار، دیگر به راحتی سابق روی پیشخوان نیست، به چنگ آورده و در گوشه‌ای به کمک کاربن‌های فوق‌مستعمل و پوسیده مشغول پرکردن دو برگه‌ها می‌شود. بدیهی است که نسخه دوم چنین سندی را هیچ تنابنده‌ای نمی‌تواند بخواند! هر برگه محل ثبت چهار طغری چک است. پس قهرمان ما باید سه جفت برگه را پر کند که البته سومی نیمه‌پر خواهد بود. حساب کنید:

$$2 \times 4 = 8$$

$$10 - 8 = 2$$

پس کار به جفت سوم می‌رسد، ولی نیمه‌کاره.

حال نوبت به نوشتن نام و مشخصات، شماره تلفن، شماره حساب و شماره سری چک می‌رسد که قطاری از اعداد و حروف و خط مورب و ع و غ و دو و ظ

و... است. پشت‌نویسی هریک از چک‌ها با ذکر شماره تلفن هم ضروری است.

در انتها قرمان دوباره وارد گود می‌شود. همان صحنه‌ها تکرار می‌گردد تا بالاخره برگه به همراه ۱۰ طغری چک که چهارتا چهارتا به آن سنجاق شده، به دست تحویلدار می‌رسد. آنگاه پس از مطابقت مندرجات و مشخصات و امضا و امضا و امضا، مرحله پایانی عملیات بانکی سریع و مطمئن و پیشرو! آغاز می‌شود.

**نشانی پست الکترونیکی مجله بانک و اقتصاد:**

**bankvaeghtesad@yahoo.com**